

## **Ali Maleki's Audience-Centered Translation: A New Approach to Qur'an Translation**

**Reza Yalsharzeh <sup>1</sup>**

**Department of English, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran**

**Roya Monsefi**

**Department of English, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran**

*Received: 16 July 2020*

*Accepted: 26 February 2021*

### **Abstract**

The weakening of the concept of translation as a one-to-one equivalence between the source text and the target text and the growing attention to audience, which peaked in the 1970s and 1980s, led to the evolution of translation theory and the role of audience. However, most translations of the Qur'an into Persian, although semantic, prefer the style of Arabic writing to the Persian-speaking audience, which causes many harms in the translation of the Qur'an, including the lack of connection between Persian-speaking audiences and these translations. Ali Maleki's readable translation of the Qur'an, focusing on Persian-speaking readers, has given a completely audience-based approach to the translation of the Qur'an which is free from many of the shortcomings of existing translations of the Qur'an. The present study seeks to compare the semantic translation of Fooladvand and the translation of Ali Maleki with the use of concepts such as Koller's "pragmatic equivalence" (1979) and Nida's "equivalent effect" (1964) to show that the audience-based approach to translating the Qur'an makes use of the potentials of the Persian language and is better than semantic translations. It can also help the audience to understand the Qur'anic verses correctly and quickly.

**Keywords:** Semantic Translation, Audience Centered Translation, Equivalence Effect, Translation Audience, Readable Qur'an

---

1. Corresponding Author. Email: reyalsharzeh@gmail.com

## ترجمه مخاطب‌محور «قرآن خواندنی» علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن

رضا یل شرزه\* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران)  
رویا منصفی (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران)

### چکیده

کم‌رنگ شدن مفهوم ترجمه به‌عنوان تعادل یک‌به‌یک بین متن مبدأ و متن مقصد و توجه روزافزون به مخاطب که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به اوج خود رسید سبب تحول و تطور تئوری ترجمه گشت و مخاطب و نقش وی را در کانون توجه مطالعات ترجمه قرار داد. حال، اکثر ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی، باینکه برگردان‌هایی معنایی به شمار می‌روند، پرداختن به اسلوب و شیوه نگارش زبان عربی را بر مخاطب فارسی‌زبان رجحان می‌نهند که این امر سبب بسیاری از کاستی‌های ترجمه‌های قرآن از جمله عدم ارتباط مؤثر مخاطبان فارسی‌زبان با این ترجمه‌ها شده است. پژوهش حاضر در تلاش است تا با مقایسه ترجمه معنایی فولادوند و ترجمه مخاطب‌محور علی ملکی و با استفاده از مفاهیمی چون «تعادل کارکردی» کولر (۱۹۷۹) و «اثر معادل» نایدا (۱۹۶۴) نشان دهد که رویکرد مخاطب‌محور به ترجمه قرآن به‌واسطه استفاده از ظرفیت‌های زبان فارسی بهتر از ترجمه‌های معنایی می‌تواند مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند و با محور قرار دادن خوانندگان فارسی‌زبان، برگردانی کاملاً مخاطب‌محور از قرآن به دست دهد که در عین رعایت امانت، عاری از بسیاری از کژتابی‌های ترجمه‌های موجود قرآن باشد و خواندن ترجمه قرآن را به تجربه‌ای لذت‌بخش بدل کند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه معنایی، ترجمه مخاطب‌محور، اثر معادل، مخاطبان ترجمه،

قرآن خواندنی

\* نویسنده مسئول reyalsarzeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

## ۱- مقدمه

قرآن اصلی‌ترین منبع وحی و معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص) است که در کنار «احادیث» و «سنت» منبع مهمی برای درک احکام والای اسلام است. از آنجایی که آگاهی از محتوی و معانی متعالی قرآن برای تمامی افراد لازم و ضروری است ترجمه قرآن به سایر زبان‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. درباره ترجمه‌پذیری قرآن از دیرباز نظرات و آرای متفاوتی بین صاحب‌نظران وجود داشته است که به‌طور کلی می‌توان آن را به دو دیدگاه تقسیم کرد: دیدگاه نخست هرگونه برگرداندن کلام وحی را به سایر زبان‌ها عملی غیر مشروع می‌داند و به‌صراحت از ترجمه‌ناپذیری قرآن سخن می‌گوید و علت این امر را منشأ آسمانی و غیر بشری قرآن می‌داند. محققان و قرآن‌پژوهانی چون الطیبی‌وی<sup>۱</sup> (۱۹۶۲) و رشید رضا (۱۹۷۶) از این دسته‌اند. گروه دوم، بر خلاف گروه نخست، نه‌تنها بر ترجمه‌پذیری قرآن تأکید دارد، بلکه آن را لازم و ضروری می‌داند. ابوحنیفه و المراغی<sup>۲</sup> (۱۹۳۶) از این گروه‌اند. پیکتال<sup>۳</sup> (۱۹۳۱، ص. ۴۲۲)، از اولین مترجمان قرآن به زبان انگلیسی، در روایتی از ابوحنیفه بر جایز بودن ترجمه قرآن از دیدگاه وی اشاره می‌کند و نقل می‌کند که «ترجمه قرآن در صورتی مجاز است که همراه با متن عربی آن باشد و به‌صورت کتاب مستقل و بدون متن عربی انتشار نیابد». این صاحب‌نظران در عین حال معتقدند هرگونه ترجمه قرآن، غیر از لفظ عربی آن، هرگز نمی‌تواند جایگزین قرآن شود و تنها شرح، تفسیر و توضیحی بر «معنی» قرآن به شمار می‌رود.

صاحب‌نظران، ترجمه قرآن را به انواع مختلفی تقسیم می‌کنند که به‌طور کلی می‌توان آن را به ترجمه‌های تحت‌اللفظی، معنایی و آزاد طبقه‌بندی کرد. طبق گفته جواهری (۱۳۸۴)، بیشتر ترجمه‌های متأخر قرآن از جمله مترجمانی چون مکارم شیرازی، فولادوند، پاینده، خرمشاهی، مشکینی و شماری دیگر ترجمه‌هایی معنایی‌اند. هدف از این نوع ترجمه به نقل از جواهری (۱۳۸۴) توجه به زبان مقصد و مخاطبان

1. Tibawi

2. Al Maraghi

3. Pickthall

آن و درعین حال انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به زبان معیار متن مقصد است. باوجوداین، همان‌گونه که در بخش تحلیل داده‌ها نشان داده خواهد شد، ترجمه‌های معنایی قرآن نیز در بیشتر موارد ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی‌اند و پیروی از اسلوب نگارش زبان عربی را بر مخاطبان فارسی‌زبان و زبان معیار آنان ترجیح می‌دهند که این امر سبب بسیاری از آسیب‌های ترجمه‌های قرآن از جمله عدم ارتباط مخاطبان فارسی‌زبان با ترجمه‌های موجود قرآن شده است. به گفته ملکی (۱۳۹۷)، در اغلب ترجمه‌های فارسی قرآن، مخاطب و فهم وی برای بسیاری از مترجمان مسئله‌ای فرعی بوده است و مترجمان بیشتر ترجیح داده‌اند تا ترجمه‌ای خوب، فاخر و دقیق ارائه دهند که این امر آسیب‌های فراوانی به دنبال داشته است. گات<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، علت این امر را وجود مخاطبانی با پیشینه زبانی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی می‌داند که در بافتی کاملاً متفاوت از متن اصلی رشد کرده و بالیده‌اند. به گفته گات (۱۹۹۲، ص. ۳۶) «هرگاه مخاطب یک اثر مخاطبی نباشد که اثر اصلی به زبان او خلق شده، عمل انتقال قصد اطلاعاتی ممکن است به ارتباط نادرست یا قطع کامل ارتباط منجر شود». حال، سؤال اینجاست که آیا ترجمه‌های معنایی قرآن به‌واقع زبان معیار مقصد و خوانندگان آن را در نظر دارند و یا در حقیقت ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی‌اند که اولویت نخست خود را انتقال ساختار و واژگان زبان عربی به بافتار زبان فارسی می‌دانند؟ همچنین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که با توجه به اذعان مترجمان و قرآن‌پژوهانی مانند صفوی (۱۳۹۸)، ملکی (۱۳۹۷) و تقیه (۱۳۸۵) که اغلب مردم با ترجمه‌های موجود قرآن ارتباط برقرار نمی‌کنند چه راهکاری باید جهت ارتباط بهتر جمهور ملت با ترجمه این کتاب مقدس اتخاذ شود و به چه روشی می‌توان جامعه فارسی‌زبان را به خواندن ترجمه‌های نه‌چندان خوش‌خوان قرآن ترغیب کرد؟

تحقیق حاضر کوششی است تا با بررسی رویکرد مخاطب‌محور به ترجمه قرآن در کتاب قرآن خواندنی و مقایسه آن با ترجمه‌های معنایی، عملکرد موفق‌تر ترجمه

مخاطب‌محور را در برقراری ارتباط مؤثر با خوانندگان نشان دهد. به دیگر سخن، پژوهشگران حاضر با مطالعه زبان مخاطب‌محور ترجمه خواندنی قرآن که عاری از صورت‌بندی‌های غامض و نامأنوس زبان عربی است و با مردم به زبان خود آنان سخن می‌گوید نشان می‌دهند که چگونه رویکرد مخاطب‌محور به ترجمه قرآن و برقراری تعادل کارکردی بین قرآن و ترجمه آن علاوه بر معرفی روشی مؤثر در ترجمه می‌تواند سبب ایجاد علاقه در طیف وسیعی از افراد جامعه جهت آشنا شدن و درنهایت عمل به دستورات وحی شود و سبب شود تا همه مؤمنان و معتقدان بتوانند به واسطه ارتباط بهتر و سهل‌تر با ترجمه متن مقدس با شور و اشتیاق بر مدار دین بمانند و عبادت کنند.

با توجه به ابهام‌آمیز بودن اکثر ترجمه‌های معنایی قرآن و غامض بودن آنها که در نتیجه رعایت دقیق اسلوب نگارش زبان عربی و عدم توجه به مخاطب پدید آمده است، نیاز به نوع دیگر برگردان قرآن احساس می‌شود. در این راستا، کتاب ترجمه خواندنی قرآن: ترجمه تفسیری و پیام‌رسان برای نوجوانان و جوانان که توسط ملکی در سال ۱۳۹۶ به زبان فارسی ترجمه و چاپ شد می‌تواند نقطه عطف دیگری در تاریخ ترجمه قرآن در ایران باشد. این کتاب که بنا به گفته مترجم (۱۳۹۶) طبق تفاسیر المیزان و تسنیم ترجمه شده است دارای نثری روان است و بسیاری از مشکلات ترجمه‌های موجود اعم از ثقیل بودن و نامفهوم بودن متن در این ترجمه دیده نمی‌شود و به قول مترجم (پایگاه اینترنتی ترجمه خواندنی قرآن کریم، ۱۳۹۹) این برگردان ترجمه‌ای سراپا فارسی است. ملکی (۱۳۹۷) علت ترجمه مجدد قرآن به فارسی را نبود اثری روان و قابل فهم می‌داند و بیان می‌دارد که آنچه از دیدگاه اکثر مترجمان قرآنی حائز اهمیت است ارائه ترجمه‌هایی فاخر و دقیق است و فهم مخاطب در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

لذا، تحقیق حاضر در تلاش است تا با استفاده از روشی توصیفی-تحلیلی و با ارائه مثال‌های فراوان از ترجمه خواندنی قرآن و مقایسه آن با سایر ترجمه‌های معنایی، از

رویکرد مخاطب‌محور به ترجمه قرآن با استفاده از مفاهیمی چون «تبادل کارکردی»<sup>۱</sup> کولر<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) و «تبادل پویای»<sup>۳</sup> نایدا<sup>۴</sup> (۱۹۶۴) دفاع نظری کند. به دیگر سخن، پژوهش حاضر سعی دارد اهمیت مخاطب در ترجمه را به مدد نظریات مطالعات ترجمه توضیح و تبیین کند و بر لزوم گسترش چنین ترجمه‌هایی تأکید ورزد. علت انتخاب این آیه‌ها مخاطب‌محور بودن ترجمه آنها و استفاده از اسلوب زبانی فرهنگی زبان فارسی در ترجمه آیات قرآنی است.

## ۲- پیشینه پژوهش

بر اساس مقاله تقیه (۱۳۹۶)، بیش از صد مورد ترجمه قرآن به زبان فارسی توسط مترجمان مختلف انجام شده است. از این بین، شماری از ترجمه‌های انجام‌شده لغوی و شماری دیگر مفهومی یا معنایی هستند. بنا بر پژوهش آمرایی و معروف (۱۳۹۴)، مطالعه دوره‌های مختلف ترجمه قرآن نشان می‌دهد که در آغاز کار و تا حدود دهه ۲۰ شمسی ترجمه‌های قرآن به شیوه تحت‌اللفظی انجام می‌شد، ولی ارائه ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای در سال ۱۳۲۰ شمسی سرآغاز رویگردانی مترجمان از ترجمه لغوی قرآن به سمت ترجمه معنایی آن شد. علت این امر را خزاعی فرید و قاضی زاده (۱۳۹۴)، تغییرات هنجاری در جامعه و به تبع آن، تمایل به زیبایی در کنار دقت در ترجمه قرآن می‌دانند.

جواهری (۱۳۸۴، ص. ۱۴۲) در پژوهشی درباره انواع ترجمه قرآن، شش روش برای ترجمه این کتاب مقدس برمی‌شمارد که «ترجمه معنایی» یکی از این روش‌هاست. طبق تعریف وی: ترجمه معنایی اغلب خوش‌خوان‌تر از ترجمه‌های وفادار و برای مترجمان از ترجمه وفادار، ساده‌تر است... هدف این ترجمه انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ

1. functional equivalence
2. Koller
3. dynamic equivalence
4. Nida

به زبان معیار متن مقصد است و مترجم در این نوع ترجمه، به ساختارهای ادبی و بلاغی متن مبدأ بسان ترجمه وفادار، وفادار نیست.

وی در همان پژوهش با تأکید بر اهمیت زبان معیار در ترجمه، بیشتر ترجمه‌های متأخر قرآن از قبیل ترجمه مکارم شیرازی، فولادوند، مشکینی، پاینده، خرمشاهی و شماری دیگر از ترجمه‌ها را نمونه‌هایی از ترجمه معنایی برمی‌شمارد.

همان‌گونه که در نقل قول بالا اشاره شد، توجه به مخاطب و رعایت اصول دستور زبان فارسی جهت رسیدن به نثری معیار و روان مورد توجه ترجمه معنایی است. باین وجود، ترجمه‌های معنایی قرآن تنها تا حدی موفق به پرداختن به مخاطب و به تبع آن رعایت اصل فارسی‌نویسی شده‌اند و چنانکه آمرایی و معروف (۱۳۹۴) نشان داده‌اند این ترجمه‌ها در بسیاری از موارد ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی‌اند. ترجمه‌های مترجمان برجسته‌ای چون الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، فولادوند، آیتی و مکارم شیرازی با اینکه در دسته‌بندی ترجمه‌های معنایی قرار دارند در بسیاری از موارد لغوی و تابع دستور زبان عربی هستند که این امر سبب نامفهومی و کژتابی برخی از این ترجمه‌ها شده است و درک متن را برای خوانندگان فارسی‌زبان دشوار کرده است. انتظار مخاطبان ترجمه قرآن دریافت ترجمه‌ای قابل فهم و روان از مفاهیم قرآنی است، اما چنانچه کشاورزی و نبی‌قاسمی (۱۳۹۷، ص. ۶۵) نشان داده‌اند «ترجمه‌های موجود با اینکه اغلب ترجمه‌هایی خوب و دقیق هستند و ظرافت‌های بسیاری در آنها اعمال شده است، انتظار کامل مخاطبان را برآورده نساخته‌اند».

چنین به نظر می‌رسد که اغلب تحقیقات انجام شده در حوزه ترجمه قرآن، ترجمه را عملی صرفاً زبانی تلقی می‌کنند. این تحقیقات، غالباً به بررسی دشواری‌های مترجمان قرآن در ترجمه ساختارهای نحوی، واژگانی و عناصر فرهنگ‌محور قرآنی می‌پردازند که هدف از آنها در وهله نخست بررسی صحت و سقم ترجمه‌های انجام‌شده، مطالعه نحوه عملکرد مترجمان در مواجهه با مشکلات ترجمه‌ای و اطمینان از برگردان بی‌کم‌وکاست و کاست متن مبدأ است. به‌عنوان نمونه، حُرّی (۱۳۹۸) در تحقیق خود به بررسی سخت ترجمه‌پذیری اسماء‌الحسنی در قرآن پرداخته و چنین

نتیجه‌گیری کرده است که مترجمان، ناتوان از انتقال وجوه مختلف معنایی این واژگان بودند. حسینی و فتحی (۱۳۹۸) نیز با مذاقه در برخی واژگان قرآنی به بررسی چالش‌های مترجمان در ترجمه این لغات پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مترجمان، برگردانی صحیح از این واژگان به دست نداده‌اند. این محققان سپس به ارائه ترجمه پیشنهادی خود برای واژگان مورد بحث مبادرت ورزیدند.

در پژوهش دیگری، گرجامی، آزاددل و محمدی (۱۳۹۶) به بررسی وجود عناصر انسجامی متنی در خطبه اول نهج‌البلاغه پرداختند و سپس با مقایسه آن با ترجمه‌های انجام‌شده نتیجه‌گیری کردند که این برگردان‌ها موفق به انعکاس انسجام موجود در متن مبدأ در ترجمه‌ها شده‌اند. محققان این پژوهش با مهم ارزیابی کردن حفظ تعادل و برابری در ترجمه، آن را مساوی با همسو بودن ترجمه با متن اصلی می‌دانند و معتقدند که مترجمان می‌باید عناصر انسجامی متن اصلی را در ترجمه حفظ کنند. پژوهشگران دیگری نیز به بررسی آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن پرداخته‌اند و با مقایسه متن اصلی و مقصد بر عدم رعایت امانت در پاره‌ای موارد انگشت نهادند. قرئلی، معصومی و جنتی‌فر (۱۳۹۸) و باقری و همکاران (۱۳۹۶) نمونه‌ای از این محققان به شمار می‌روند. آذرشب، ملکی و اسدالهی (۱۳۹۸) نیز با ارزیابی کیفیت ترجمه فارسی آیات قرآن، به بسط و قبض معنایی در برخی از این ترجمه‌ها پی برده‌اند و رای به عدم تطابق متن مبدأ با متن ترجمه‌شده داده‌اند. در همین راستا، علایی و فتحی اکبرآبادی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی جوانب مختلف معنایی کلمه «فوت» و «تفاوت» در آیات متفاوت قرآن پرداختند و نتیجه گرفتند که با توجه به سیاق آیات و مفهوم لغوی این واژگان، مترجمان موفق به برگردان صحیحی از این واژه‌ها نشده‌اند. این پژوهشگران سپس خود ترجمه صحیح این واژگان را پیشنهاد دادند.

افتاده و همامی (۱۳۹۸) نیز در تحقیقی بر ضرورت فهم دقیق معانی واژه‌های تکآمد در انتقال صحیح معنای قرآن تأکید کردند و به آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن در انتقال جوانب مختلف معنایی این واژه‌ها پرداختند. این پژوهشگران پس از بررسی



مقابله‌ای متن قرآن با سه ترجمه مکارم شیرازی، انصاریان و میمندی به این نتیجه رسیدند که مترجمان در ترجمه این واژگان دچار لغزش شده‌اند و سپس راهکار پیشنهادی خود را جهت انعکاس صحیح ابعاد مختلف معنایی واژگان تکآمد ارائه دادند. در تحقیق دیگری، حیدری، قائمی و زودرنج (۱۳۹۷)، با بررسی نحوه عملکرد مترجمان در انتقال عناصر فرهنگ‌محور قرآن به زبان فارسی به مقایسه پنج ترجمه فارسی قرآن پرداختند. هدف از این پژوهش، یافتن شیوه ترجمه عناصر فرهنگی پوشاک قرآن و تطبیق دادن آن با انواع مختلف روش‌های ترجمه نیومارک بود. محققان دست‌آخر به این نتیجه رسیدند که شیوه ترجمه تحت‌اللفظی شیوه‌ای غالب در ترجمه فارسی عناصر فرهنگ‌محور قرآن است.

نیازی و سادات هاشمی (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود با تأکید بر اهمیت ارزیابی دقیق ترجمه قرآن به بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ترجمه رضایی اصفهانی از قرآن پرداختند و نتیجه گرفتند در مواردی که ابهامات متن اصلی هدفمند باشد شفاف‌سازی منفی تلقی می‌شود و هدف متن مبدأ را به درستی انتقال نمی‌دهد. سایر تحقیقات به عمل آمده در حوزه ترجمه قرآن نیز کمابیش در روش کار رویکردی مشابه مطالعات فوق دارند.

غیبت تأمل‌برانگیز مخاطبان و نیازهای آنها و پرداختن به مسائل زبانی و مقابله‌ای صرف در این پژوهش‌ها مشهود است؛ گو آنکه، این ترجمه‌ها نه برای خواننده شدن توسط فارسی‌زبانان بلکه برای اهداف نامعلوم دیگری نوشته می‌شوند. ترجمه هراندازه برگردان بی‌عیب و نقصی از متن مبدأ ارائه دهد، درنهایت این خوانندگان هستند که می‌بایست به درکی صحیح از آن نائل شوند. تأکید بر اهمیت نقش مخاطب و نیازهای فصل تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های این حوزه است. نویسندگان امیدوارند این پژوهش سرآغاز مطالعاتی باشد که پرداختن به مخاطب را نه هدفی دست‌دوم بلکه غایتی مهم در فرایند ترجمه قرآن تلقی کنند.

## ۳- مبانی نظری پژوهش

اغلب ترجمه‌های صورت گرفته از قرآن تحت‌اللفظی و به قول نیومارک<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، نظریه‌پرداز ترجمه، «لغوی» هستند. ویژگی بارز این ترجمه‌ها کلمه به کلمه بودن ترجمه و توجه زیاد به ساختار و نحو زبان مبدأ است. شلایرماخر<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، فیلسوف شهیر آلمانی، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های مختلف ترجمه» بیان می‌دارد که مترجم در این‌گونه ترجمه‌ها خواننده را به‌سوی متن مبدأ سوق می‌دهد و درک متن را برای وی دشوار و زمان‌بر می‌کند. با توجه به اینکه مفهوم «تعادل» در ترجمه، مفهومی کلیدی به شمار می‌رود توجه به ابعاد مختلف آن ضروری است. ترجمه‌های لفظ به لفظ تلقی سنتی از مفهوم «تعادل ترجمه‌ای» دارند و آن را خارج از بافت و به گفته سوسور، زبان‌شناس فرانسوی، در سطح «زبان»<sup>۳</sup> یا سیستم‌های انتزاعی زبانی بررسی می‌کنند. ترجمه‌پژوهانی چون نایدا (۱۹۶۴)، کتفورد<sup>۴</sup> (۱۹۶۵)، کولر (۱۹۷۹)، و نیومارک (۱۹۸۱) این نوع تعادل را «تعادل صوری»<sup>۵</sup> نامیده‌اند. این در حالی است که با معرفی مفهوم «تعادل پویا» در ترجمه و به تبع آن پرداختن به مسائل گوناگونی چون مخاطب و نیازهای وی، هدف از ترجمه متن و آگاهی از این نکته که ترجمه در خلأ روی نمی‌دهد تلقی صاحب‌نظران ترجمه از مفهوم «تعادل ترجمه‌ای» دچار دگرگونی شده است.

محدود نماندن معنای ترجمه به تعادل صوری بین نظام‌های زبانی و توجه به «تعادل بافتی به‌عنوان هدف نهایی ترجمه»، کولر (۱۹۷۹)، راه را بر ارائه برداشت‌های جدید از مفهوم تعادل در ترجمه باز کرد. تغییر تلقی سنتی از ترجمه به‌عنوان فعالیت صرفاً زبانی و برجسته شدن ابعاد اجتماعی-فرهنگی آن سبب پررنگ شدن نقش مخاطب در ترجمه گردید. پیدایش مفاهیمی چون «ترجمه پویا»-ی نایدا (۱۹۶۴) و «ترجمه کارکردی» کولر (۱۹۷۹) و همچنین ظهور مکتب نقش‌گرا مانند نظریه

1. Newmark
2. Schleiermacher
3. langue
4. Catford
5. formal correspondence

«اسکوپوس»<sup>۱</sup> در آلمان در دهه ۸۰ میلادی، توجه تئوری ترجمه را از مباحث زبانی صرف در ترجمه به سمت موضوعات فرهنگی-اجتماعی سوق داد و مفهوم تعادل ترجمه‌ای را به کلی دگرگون ساخت. آنچه در این مفاهیم بنیادی به شمار می‌رفت توجه به مخاطب، تلاش جهت ایجاد اثر معادل در وی و طبیعی بودن پیام بود. به زعم نایدا (۱۹۶۴)، خلق اثری معادل بین دو نظام زبانی که در شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی متفاوتی بالیده‌اند جز به مدد تغییرات ترجمه‌ای در سطوح واژگانی، دستوری و استفاده از عناصر فرهنگی داخلی به‌سختی ممکن است؛ بنابراین، در ترجمه‌های مخاطب‌محور قرآن، مترجم ضمن حفظ روح و معنای متن اصلی با زبان مخاطبان با آن‌ها سخن می‌گوید، زیرا پایبندی به متن اصلی و حفظ امانت‌داری اقتضا می‌کند که مفهوم متن اصلی به‌درستی منتقل شود؛ به عبارت دیگر، همان حسی که خواننده در زبان مبدأ دارد، باید در زبان مقصد هم داشته باشد. در غیر این صورت، امانت رعایت نشده است و معنای متن به‌درستی درک نخواهد شد.

حال، با بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی درمی‌یابیم که این ترجمه‌ها تلقی نسبتاً سنتی از مفهوم تعادل ترجمه‌ای دارند و آن را برابر با تعادل صوری یا لغوی می‌دانند. این ترجمه‌ها سخت به متن اصلی وفاداراند و همین عامل سبب پیدایش ترجمه‌های نامفهوم و نازل از قرآن گشته است. بدیهی است که این برگردان‌ها مفهوم تعادل کارکردی در ترجمه را نادیده گرفته‌اند و مخاطبان ترجمه را به فراموشی سپرده‌اند. تقیه (۱۳۹۶) با بیان اینکه وسواس مترجمان قرآن تا حدی قابل دفاع است، این برگردان‌ها را در انتقال معنا دچار مشکلات فراوانی می‌داند. محققان پژوهش حاضر غفلت از تعادل کارکردی و نادیده گرفتن مخاطبان ترجمه قرآن را که دارای تجربیات زیسته متفاوتی با مخاطبان عرب‌زبان هستند از عوامل اصلی سخت‌فهمی ترجمه‌های قرآن به شمار می‌آورند. اینک، به بررسی چندین نمونه از ترجمه‌های قرآن توسط ملکی و مقایسه آن با سایر ترجمه‌ها می‌پردازیم تا نشان دهیم وفاداری کامل به تمام لایه‌های «دستوری»، «واژگانی» و «فرهنگی» زبان عربی و عدم توجه به

1. Skopos

مخاطبان ترجمه، در نهایت ترجمه‌ای گنگ و نامفهوم به دست می‌دهد. شایان یادآوری است که مقایسه، بین ترجمه‌های معنایی فولادوند و ترجمه مخاطب‌محور ملکی صورت گرفته است ولی چنانچه در قسمت مثال‌ها نشان داده خواهد شد سایر ترجمه‌های موجود قرآن نیز در کلیت و سیاق کار چندان تفاوتی با ترجمه فولادوند ندارند. علت انتخاب ترجمه فولادوند جهت انجام مقایسه، معنایی بودن آن، مخاطب‌فهمی و به‌کارگیری لغات مانوس زبان فارسی در ترجمه قرآن است. عبدی (۱۳۹۴)، در مقاله خود ترجمه معنایی فولادوند را در زمره بهترین ترجمه‌های معاصر قرآن برشمرده است و ترجمه وی را در رعایت واژگان زبان فارسی و ویژگی‌های زبانی و بیانی آن از ترجمه‌های متقن و قابل استناد می‌داند. امین‌فرد (۱۳۸۶) نیز مخاطب‌فهمی را ویژگی مهم ترجمه فولادوند می‌داند.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱- تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد توصیفی-تحلیلی به مقایسه ترجمه مخاطب‌محور قرآن خواندنی ملکی با ترجمه معنایی فولادوند پرداخته است. برای نیل به این مقصود، تعداد پانزده آیه از ترجمه قرآن خواندنی ملکی (۱۳۹۶) که با رعایت اسلوب زبانی فارسی و بدون تقلید به ظواهر الفاظ عربی ترجمه شده‌اند، برای مقایسه با ترجمه معنایی فولادوند به صورت هدفمند انتخاب شدند. لازم به توضیح است که در جای‌جای ترجمه مخاطب‌محور قرآن خواندنی موارد بسیاری از توجه به مخاطب کلام و تلاش در جهت ارائه ترجمه‌ای روان به چشم می‌خورد که از این میان تعداد پانزده نمونه که با وضوح بیشتری ترجمه‌ای مخاطب‌محور به دست داده‌اند برای مقایسه انتخاب شدند. هدف از انتخاب هدفمند این پانزده آیه نشان دادن این نکته است که رویکرد مخاطب‌محور به ترجمه قرآن، چنانچه در قسمت بحث و نتیجه‌گیری بدان اشاره خواهد شد، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرایف و استعداد زبانی

فارسی، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان ایرانی، خواندن ترجمه قرآن را به تجربه‌ای لذت‌بخش بدل کند.

بررسی مثال‌های زیر نشان می‌دهد ترجمه‌هایی که طبق تقسیم‌بندی جواهری (۱۳۸۴) در دسته‌بندی ترجمه‌های معنایی قرآن قرار می‌گیرند به‌واقع ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی‌اند که هدف آن تأکید بر محتوی اطلاعاتی متن اصلی در ساختار و محتوی است. به عبارت دیگر، در این گونه ترجمه‌ها مترجم در تلاش است تا اطلاعات منتقل شده به ترجمه دقیقاً با متن اصلی برابری کند. درحالی‌که ترجمه قرآن خواندنی علی‌ملکی در تقسیم‌بندی «ترجمه پویای»<sup>۱</sup> نایدا (۱۹۶۴) و یا «تعادل کارکردی» کولر (۱۹۷۹) قرار می‌گیرد. آنچه در این نوع ترجمه مورد توجه است طبیعی بودن پیام در نظر خوانندگان است.

۴-۱-۱- سورة اسرا آية ۴۸:

متن آیه: انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ... .

ترجمه فارسی معنایی فولادوند: بین چگونه برای تو مثل‌ها زدند...

ترجمه قرآن خواندنی: بین برای تو چه حرف‌هایی درمی‌آوردند...

طبق تفاسیر نمونه مکارم شیرازی (۱۳۸۶) و نور قرائتی (۱۳۸۳)، اطرافیان پیامبر نسبت‌های دروغین از قبیل ساحر، کاهن و مجنون به وی می‌زنند. در زبان عربی این عمل با واژه «مثال» بیان می‌شود. حال آنکه، واژه «مثال» برای خواننده فارسی‌زبان معنای به‌کلی دگرگونی دارد. خواننده این ترجمه هرچه قدر فرهنگ‌های لغت فارسی دهخدا، معین و عمید را در پی معنای «مثال» زیورورو کند به معنی درست آن نخواهد رسید. درواقع، ترجمه فولادوند معنای کلمه «مثال» را نه در سطح بافتی بلکه در سطح سیستم‌های انتزاعی زبانی به متن مقصد انتقال داده است. این چنین تعادلی را کولر (۱۹۷۹) «تعادل صوری» می‌نامد که اغلب در ترجمه لغات مترادف‌نما در زبان‌های مختلف مشاهده می‌شود. این واژه در ترجمه سایر مترجمان قرآن مانند آیتی و مکارم

که در تقسیم‌بندی جواهری (۱۳۸۴) در دسته‌بندی ترجمه‌های معنایی قرار گرفته‌اند به چشم می‌خورد. این در حالی است که مقصود از این عبارت، نسبت دادن حرف‌های ناشایست و اتهامات دروغین به پیامبر اسلام است که به بهترین نحو با عبارت «حرف درآوردن» بیان می‌شود. در چنین ترجمه‌ای، مترجم می‌تواند با درک منظور متن عربی و شناخت بافت موقعیتی آن و درعین حال با در نظر داشتن مخاطب فارسی‌زبان همان مفهوم را در زبان مقصد با واژگان و اصطلاحات زبان فارسی بیان کند. این شیوه ترجمه در قرآن خواندنی و تلاش جهت حفظ تعادل کارکردی آن قابل مشاهده است که بر اساس آن طبیعی بودن ترجمه نزد مخاطبان از اهمیت زیادی برخوردار است. در این ترجمه تغییراتی در سطح واژگان، نحو و ارجاعات فرهنگی روی می‌دهد تا خوانندگان بتوانند ارتباط نزدیکی با متن ترجمه‌شده برقرار کنند. ترجمه متفاوت واژه «مثال» به «حرف درآوردن» مصداقی از این تغییرات در جهت طبیعی شدن زبان ترجمه است. مثال فوق نشان می‌دهد که ترجمه‌های معنایی قرآن که بنا بر تعریف جواهری (۱۳۸۴) سعی در انتقال پیام و محتوی متن مبدأ به زبان طبیعی و معیار متن مقصد دارند در واقع ترجمه‌هایی وفادار به ساختار زبانی متن مبدأ‌اند و پرداختن به سبک و سیاق زبان عربی را بر مخاطب فارسی‌زبان و اسلوب نگارش زبان فارسی ترجیح می‌دهند.

#### ۴-۱-۲- سورة ذاریات آیه ۸:

متن آیه: إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلَفٍ...

ترجمه عربی فولادوند: که شما [درباره قرآن] در سخنی گوناگونید....

ترجمه قرآن خواندنی: درباره قرآن هر دفعه یک چیز می‌گویید....

آنچه از معنای این آیه، طبق تفاسیر نمونه (۱۳۸۶) و اطیب‌البیان (۱۳۷۸)، نتیجه می‌شود این است که مردم درباره قیامت در گفتاری مختلف و گوناگون هستند و پیوسته ضدونقیض سخن می‌گویند و همین تناقض‌گویی دلیل بر بی‌اعتباری نظراتشان هست. حال آنکه، عبارت عربی «شما درباره قرآن در سخنی گوناگونید» برای خواننده

فارسی‌زبان واضح نیست و خواننده نمی‌تواند ارتباط مؤثری با این ترجمه برقرار کند. ترجمه‌های الهی قمش‌های، آیتی و مکارم نیز کمابیش شبیه ترجمه فولادوند هستند. ولی عبارت فارسی «هر دفعه یک چیز می‌گویید» برای فارسی‌زبانان کاملاً آشناست. با توجه به اینکه طبق گفته نایدا (۱۹۶۴) هدف از تعادل کارکردی رسیدن به بیانی طبیعی است، این انتخاب ترجمه‌ای با نشان دادن اهمیت استفاده از زبان طبیعی گویشوران فارسی، ترجمه‌ای سلیس از متن قرآن به دست می‌دهد و موجبات درک صحیح آن را فراهم می‌کند.

#### ۴-۱-۳- سورة كهف آیه ۵:

متن آیه: كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ.

ترجمه فولادوند: بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی‌آید.

ترجمه قرآن خواندنی: گنده‌تر از دهانشان حرف می‌زنند.

خواننده فارسی‌زبان با خواندن ترجمه «بزرگ سخنی است که از دهانش برمی‌آید» ممکن است برداشتی کاملاً اشتباه از معنای آیه داشته باشد؛ زیرا در زبان فارسی «سخن بزرگ» در معنای تحسین‌آمیز به کار می‌رود. حال آنکه، بر اساس معنای آیه فوق، این سخن در معنی منفی «بزرگ‌تر از دهان حرف زدن» آمده است. تقلید از نحو زبان عربی و تلاش جهت ترجمه لفظ به لفظ که از اهداف تعادل صوری یا فرمال در ترجمه است با نادیده گرفتن بیان طبیعی سخن در زبان مقصد نشان می‌دهد که پیروی از دستور زبان عربی باعث کم‌اهمیت شدن مخاطبان در ذهن مترجم می‌شود و درنهایت به سردرگمی خواننده می‌انجامد. سایر مترجمان معنایی قرآن چون آیتی و مکارم شیرازی نیز از عبارت «سخن بزرگ» در ترجمه استفاده کرده‌اند.

#### ۴-۱-۴- سورة كهف آیه ۲۵:

متن آیه: وَكَلَّبُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا...

ترجمه فولادوند: و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن]

افزودند.

ترجمه قرآن خواندنی: اصحاب کهف ۳۰۰ سال شمسی برابر با ۳۰۹ سال قمری در غار خوابیدند.

طبق تفاسیر نور (۱۳۸۳) و نمونه (۱۳۸۶) از قرآن، مراد از آیه یادشده بیان اختلاف میان سال‌های شمسی و قمری است که به‌نوعی نشان از دقت قرآن در روایت کردن واقعه اصحاب کهف است و مراد از اضافه کردن ۹ سال به خاطر تفاوت این دو تقویم است. ترجمه‌های آیتی، مکارم و انصاریان همانند ترجمه فولادوند، علی‌رغم اینکه ترجمه‌هایی معنایی‌اند، با پیروی دقیق از متن عربی سبب ایجاد سؤال در ذهن خواننده درباره علت بیان جداگانه سال‌های مذکور می‌شوند. درحالی‌که ترجمه خواندنی قرآن با توضیح این امر سؤالات خواننده را پاسخ می‌دهد. تعادل کارکردی مورد استفاده در ترجمه قرآن خواندنی با افزودن عناصری به متن اصلی جهت توضیح منظور آن، متن را کاملاً در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار داده است.

۴-۱-۵- سورة نسا آیه ۱۲۴:

متن آیه: وَلَا يُظْلَمُونَ نَبِيًّا.

ترجمه فولادوند: و به‌قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

ترجمه قرآن خواندنی: سر سوزنی به آنها ظلم نمی‌شود.

بیشتر مترجمان قرآن، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از این آیه به دست داده‌اند. انصاریان و آیتی نیز از واژه «خرما» برای بیان این مطلب استفاده کرده‌اند. طبق تفاسیر اطیب‌البیان (۱۳۷۸)، نور (۱۳۸۳) و نمونه (۱۳۸۶)، منظور از آیه یادشده این است که کسانی که عمل صالح به‌جا آورند و با ایمان باشند وارد بهشت خواهند شد و کمترین ستمی به آنها نمی‌شود. با توجه به اینکه مخاطب ترجمه، فارسی‌زبان می‌باشد بهتر است با رعایت الگوی طبیعی این زبان از اصطلاح فارسی «سر سوزن» به‌جای عبارت «گودی پشت هسته خرمای» که همان معنی را می‌رساند، استفاده شود. از آنجایی‌که ترجمه پویا و تعادل کارکردی در پی دستیابی به بیان طبیعی در زبان مقصد هستند درک الگوهای فرهنگی زبان مبدأ را برای فهم پیام آن لازم نمی‌بینند؛ بلکه، در



تلاش‌اند تا پیام متن مبدأ را در بستر عناصر متناظر فرهنگی زبان مقصد به خوانندگان معرفی کنند؛ بنابراین، استفاده از اصطلاحات و عبارات فرهنگی فارسی تلاشی است در جهت تولید ترجمه‌ای طبیعی، فرهنگ محور و قابل فهم در زبان مقصد.

#### ۴-۱-۶- سوره نحل آیه ۹۳:

متن آیه: يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...

ترجمه فولادوند: هرکه را بخوهد بیراه و هرکه را بخوهد هدایت می‌کند.

ترجمه قرآن خواندنی: خداوند هرکه را نالایق ببیند به حال خودش رها می‌کند و هرکه را لایق ببیند دستش را می‌گیرد.

در این مثال، ترجمه فولادوند کاملاً قابل فهم است، ولی ترجمه ملکی به دلیل به کار بردن اصطلاح فارسی «دست کسی را گرفتن» برای خواننده فارسی ملموس‌تر هست.

#### ۴-۱-۷- سوره لقمان آیه ۱۴:

متن آیه: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَيَّ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمَيْنٍ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

ترجمه فولادوند: و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی؛ و از شیر باز گرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

ترجمه قرآن خواندنی: ما به انسان درباره والدینش به‌ویژه مادرش این‌طور سفارش کردیم: «مرا شکر کنید. آنان را هم.» مادرش که او را در دوران حاملگی به شکم می‌کشد هر روز توانش بیش‌ازپیش تحلیل می‌رود و تازه دو سال هم شیرش می‌دهد. حواستان باشد که به من ختم می‌شود آخر عاقبت همه.

در ترجمه فوق می‌توان با تبدیل کردن عبارت «سستی بر روی سستی» به جمله «هر روز توانش بیش‌ازپیش تحلیل می‌رود» متن را برای خواننده فارسی‌زبان

خواندنی‌تر کنیم. این مثال نشان می‌دهد که ترجمه‌های معنایی از قرآن با آنکه سعی در رعایت دستور زبان فارسی دارند ولی در نهایت امر تحت تأثیر دستور زبان مبدأ و نحوه چینش واژگان آن قرار می‌گیرند و متنی غیر طبیعی در اختیار خواننده قرار می‌دهند. سایر ترجمه‌های قرآن از قبیل ترجمه انصاریان و مکارم نیز در پیروی از سبک زبان عربی از عبارت «ناتوانی روی ناتوانی» استفاده کرده‌اند.

۴-۱-۷-۱- سورة مجادله آیه ۲۱: كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي.

۴-۱-۷-۲- سورة قمر آیه ۱۰: فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرُ.

ترجمه فولادوند از سورة مجادله آیه ۲۱: خدا مقرر کرده است که: حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید.

ترجمه فولادوند از سورة قمر آیه ۱۰: تا پروردگارش را خواند که: من مغلوب شدم؛ به داد من برس.

ترجمه قرآن خواندنی از سورة مجادله ۲۱: خداوند چنین مقرر کرده است: «من خدا و پیامبرانم حتماً پیروز می‌شویم.»

ترجمه قرآن خواندنی از سورة قمر ۱۰: «خدایا من دیگر به تنگ آمده‌ام، به فریادم برس».

در ترجمه ملکی به جهت پیشگیری از تضادهای ظاهری به وجود آمده حاصل از دو آیه فوق که اشاره به پیروز شدن نهایی خداوند و فرستادگانش دارد به جای لفظ عربی مغلوب شدن از اصطلاح فارسی «به تنگ آمدن» استفاده شده است. این اصطلاح، به معنای شکست و مغلوب شدن نیست؛ بلکه بیانگر وضعیت دشواری است که فرد در آن گرفتار است. استفاده از واژه «مغلوب شدن» سبب بروز تناقض ظاهری در گفتار می‌شود که با روش فوق برطرف شده است.

## ۴-۱-۸- سوره اسرا آیه ۲۹:

متن آیه: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ

ترجمه فولادوند: و دستت را به گردنت زنجیر مکن.

ترجمه قرآن خواندنی: در کمک به نیازمندان ناخن خشک نباش.

به نظر شما، پس از خواندن ترجمه این آیه چه حسی به خواننده فارسی‌زبان دست می‌دهد؟ ایجاد اثر معادل در ترجمه و توجه به مخاطب در اینجا می‌تواند راهگشا باشد. در عبارت فوق، خواننده عرب‌زبان با دیدن اصطلاح کنایی و فرهنگ‌محور «دست به گردن زنجیر کردن» متوجه منظور آن می‌شود درحالی‌که خواننده فارسی‌زبان بعد از خواندن این عبارت دچار سردرگمی می‌شود و نمی‌تواند به مفهوم آن پی ببرد. استفاده از اصطلاح فارسی «ناخن خشک» می‌تواند در رساندن مفهوم آیه مفید باشد. ترجمه معنایی فولادوند در تلاش جهت برقراری تعادلی صوری بین متن مبدأ و مقصد، مخاطبان را به یادگیری آداب و رسوم، فرهنگ، نگرش و نوع بیان گویشوران زبان مبدأ جهت درک پیام آن تشویق می‌کند. درحالی‌که ترجمه قرآن خواندنی ضمن تأکید بر فرهنگ مقصد و شیوه بیان خاص آن با مخاطبان به زبان خود آنان سخن می‌گوید و ترجمه‌ای روان و قابل فهم به دست می‌دهد. سایر ترجمه‌های معنایی مکارم شیرازی و آیتی نیز تحت تأثیر زبان عربی از عبارت «دست به گردن زنجیر کردن» استفاده کرده‌اند.

## ۴-۱-۹- سوره نسا آیه ۲۳:

متن آیه: وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ

ترجمه فولادوند: و جمع دو خواهر با همدیگر.

ترجمه قرآن خواندنی: تا زنی همسر شماسست حرام است با خواهر او ازدواج

کنید.

مخاطب ترجمه مذکور احتمالاً معنای این آیه را نه از طریق ترجمه آن بلکه از طریق آشنایی قبلی با احکام اسلامی دریافته است. درک عبارت «جمع بین دو خواهر»

برای مخاطب کم‌اطلاع از احکام اسلامی دشوار است. ترجمه ملکی با توضیح منظور این آیه به فهم سریع‌تر آن کمک کرده است.

۴-۱-۱۰- سوره کوثر آیه ۳:

متن آیه: إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

ترجمه فولادوند: دشمنت خود بی‌تبار خواهد بود.

ترجمه قرآن خواندنی: بله آن‌که به تو زخم‌زبان می‌زند خودش اجاق‌کور است، نه تو.

استفاده برخی از مترجمان، مانند آیتی، از واژه ابتر در ترجمه‌های فارسی ممکن است خواننده ناآشنا با زبان عربی را در درک مفهوم این آیه با مشکل مواجه سازد. حال با توجه به معنای کنایی «ابتر» می‌توان از کنایه فارسی «اجاق‌کور» بهره برد و ترجمه‌ای مخاطب‌محور به دست داد.

۴-۱-۱۱- سوره فرقان آیه ۷۵:

متن آیه: أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

ترجمه فولادوند: اینانند که به پاس آنکه صبر کردند، غرفه [های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد.

ترجمه قرآن خواندنی: بله به پاس صبوری که کردند خانه‌های بهشتی تقدیمشان می‌کنند و در آنجا با کمال احترام و ادب به استقبالشان می‌روند.

ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و آیتی نیز از واژه «غرفه» جهت اشاره به خانه‌های بهشتی و درجات عالی در بهشت استفاده کرده‌اند. با توجه به اینکه واژه «غرفه» برای مخاطبان امروزی فارسی تداعی‌گر نوعی فضای نمایشگاهی است، ترجمه تحت‌اللفظی آن به زبان فارسی مناسب به نظر نمی‌رسد و می‌توان از عبارت خانه‌های بهشتی استفاده کرد.

۴-۱-۱۲-سوره زمر آیه ۲۳:

متن آیه: اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

ترجمه فولادوند: خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعد و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد.

ترجمه قرآن خواندنی: خدا بهترین سخن یعنی قرآن را فرستاده است. کتابی که آیه‌هایش هماهنگ‌اند و همدیگر را توضیح می‌دهند. کسانی که از خدا حساب می‌برند با شنیدن آیه‌های خدا مو بر تنشان راست می‌شود. سپس جسم و جانشان با یاد خدا آرام می‌گیرد.

مترجم بدون توجه به ویژگی‌های زبان فارسی از ترجمه تحت‌اللفظی «پوست بدنشان به لرزه می‌افتد» استفاده کرده است؛ درحالی‌که گویشوران فارسی برای بیان حالت ترس از اصطلاح «مو بر تن کسی سیخ شدن» استفاده می‌کنند.

۴-۱-۱۳-سوره نمل آیه ۲۵:

متن آیه: أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

ترجمه فولادوند: [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمان‌ها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نمایید می‌داند، سجده نکنند.

ترجمه قرآن خواندنی: شیطان کاری کرده است که در برابر خدایی سجده نکنند که چیزهای پنهان و ناموجود را در آسمان‌ها و زمین به وجود می‌آورد و پنهان و پیدایتان را می‌داند.

انتقال ساختار زبانی و اسلوب نگارش زبان عربی به زبان فارسی در ترجمه فوق مشهود است. اصطلاح «پنهان و پیدای کسی را دانستن» معادل زیبای فارسی برای

جمله «آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نمایید» است و خوانندگان فارسی‌زبان با آن احساس قرابت و همدلی بیشتری می‌کنند.

#### ۴-۱-۱۴- سورة كهف آیه ۴۲:

متن آیه: وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا.

ترجمه فولادوند: [تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه‌هایش را فروگرفت. پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود، دست‌هایش را بر هم می‌زد.

ترجمه قرآن خواندنی: در حسرت هزینه‌هایی که برای آن کرده دستش را پشت دستش می‌زند.

برای فارسی‌زبانان، دیدن فردی که پشت یک دست را به پشت دست دیگر می‌زند تداعی‌گر حالت افسوس و حسرت است. درحالی‌که استفاده از عبارت «دست‌ها را به هم می‌زنند» در واقع نشان‌دهنده تحت تأثیر قرار گرفتن ترجمه از نحو زبان عربی است و برای فارسی‌زبانان چندان ملموس نیست.

بررسی نمونه‌های فوق نشان می‌دهد که ترجمه‌های معنایی قرآن نه تنها در بسیاری از موارد تابع اسلوب و نگارش زبان عربی بوده‌اند بلکه عناصر فرهنگ‌محور این زبان را نیز وارد زبان فارسی کرده‌اند و در واقع ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی‌اند. عدم توجه به مخاطب ترجمه‌ها و دستور نگارش زبان فارسی در این ترجمه‌ها مشهود است امری که در ترجمه خواندنی قرآن تا حد زیادی برطرف شده است.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

به اعتقاد نایدا (۱۹۶۴) متن ترجمه‌شده در اثر عواملی چون هدف نگارنده، سرشت پیام و مخاطب می‌تواند دستخوش تغییراتی شود. حال، با توجه به اینکه قرآن به‌عنوان دستورالعملی جهان‌شمول مخاطبانی عام دارد، توجه به اهداف نزول آن ضروری است. یکی از مهم‌ترین این اهداف، ناظر بر عمل و رفتار آدمی است که عاملیت و کنش‌گری انسان را در راستای اهداف مشخص‌شده دین اسلام مطالبه

می‌کند. نیل به این مقصود، متنی قابل فهم و در دسترس نیاز دارد که خوانندگان را به تغییرات بنیادین در شیوه رفتار و کردار ترغیب نماید. به‌زعم نایدا (۱۹۶۴)، در متونی از این دست که تغییر رفتار و بینش مخاطبان را در دستور کار خود دارند، صرف درک معنای متن اصلی از سوی مخاطبان کافی به نظر نمی‌رسد. این مخاطبان لازم است با متن ترجمه‌شده ارتباطی تنگاتنگ برقرار کنند و این چنین ترجمه‌ای می‌باید در چهارچوب دایره تجربه مردمان جامعه مقصد تدوین شود تا مخاطبان توانایی برقراری ارتباطی مؤثر با ترجمه را به دست آورند. این چنین ترجمه‌ای را کولر ترجمه کارکردی می‌نامد؛ اما بررسی ترجمه‌های موجود قرآن از جمله ترجمه فولادوند نشان می‌دهد با این که این ترجمه در دسته‌بندی ترجمه معنایی قرار دارد، پرداختن به شیوه نگارش و ساختارهای زبانی متن مبدأ را به ساختارهای زبانی متن مقصد ترجیح می‌دهد و سعی در ارائه ترجمه‌ای وفادار و تحت‌اللفظی به خوانندگان فارسی‌زبان دارد؛ بنابراین، این ترجمه در تقسیم‌بندی «ترجمه فرمال یا صوری» نایدا جای می‌گیرد که در آن هدف مترجم تنها انتقال محتوی اطلاعاتی متن مبدأ بدون توجه به بستر فرهنگی زبان مقصد است. در این نوع ترجمه‌ها به قول ملک‌ی (۱۳۹۷) خوانندگان در درجه دوم اهمیت قرار دارند و توجهی به آنها نمی‌شود که این امر زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های ترجمه قرآن شده است. این ترجمه‌ها خوانندگان را ترغیب به مطالعه بافت اجتماعی-فرهنگی متن مبدأ می‌کنند تا پیام آن را دریابند. این عمل، فرایند خواندن قرآن را که مخاطبانی عام دارد دشوار و زمان‌بر می‌کند و تجربه خواندن را به تجربه‌ای نه‌چندان خوشایند بدل می‌سازد. این در حالی است که توجه به مخاطبان پیام و بافت فرهنگی-اجتماعی آن که در ترجمه قرآن خواندنی ملک‌ی به‌حد اعلای خود رسیده است نشان از توجه به تعادل کارکردی و پویا در ترجمه است که با قرار دادن خوانندگان در بستر فرهنگی-اجتماعی خود زمینه‌ساز ارتباط نزدیک آنان با متن ترجمه می‌شود.

عدم ارتباط مؤثر اغلب مخاطبان ایرانی و به‌ویژه جوانان با ترجمه‌های موجود قرآن حقیقتی انکارناپذیر است. مترجمان قرآن با درک این حقیقت مخاطبان ترجمه را

هرچه بیشتر در حوزه دید خود قرار داده‌اند. حرکت از ترجمه لغوی دهه ۲۰ به ترجمه‌های معنایی مؤید این نکته است. اوج حرکت به سمت مخاطب و تلاش جهت ایجاد تعادل کارکردی و پویا در ترجمه در سال ۱۳۹۶ و با ترجمه قرآن خواندنی ملکی محقق شد. همان‌گونه که در بررسی مثال‌های فوق اشاره شد، با اینکه ترجمه‌های معنایی قرآن توجه به مخاطب و زبان مقصد را لازم می‌دانند، در بیشتر موارد اسیر نحو و آرایش واژگانی زبان عربی بوده‌اند و خوانندگان را با ترجمه‌ای نامانوس و ثقیل مواجه ساخته‌اند. درحالی‌که ترجمه خواندنی در عین آنکه سعی در ارائه دقیق و بی‌کم‌وکاست و کاست مفاهیم قرآنی به مخاطبان دارد به واسطه بهره‌مندی از نثری روان و کاملاً فارسی، خوانندگان فارسی‌زبان را دچار سردرگمی و برداشت‌های ناصواب از مفاهیم آیات قرآنی نمی‌کند و ترجمه‌ای بسیار جذاب و فهمیدنی است که این امر می‌تواند ضمن پاسخ‌گویی به یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه ایرانی ارتباط مخاطب فارسی‌زبان با ترجمه‌های قرآن را هر چه بیشتر تعمیق کند. شاهد این مدعا، نظرات بیشمار مخاطبان قرآن خواندنی است که در قسمت «آنچه شما نوشته‌اید» پایگاه اینترنتی ترجمه خواندنی قرآن کریم قابل مشاهده است. این مخاطبان که از «سخت‌فهمی، عدم درک متن ترجمه، احساس بیگانگی با ترجمه‌های قرآن، دلسرد شدن از خواندن این ترجمه‌ها و از دست دادن رشته کلام هنگام خواندن ترجمه‌های قرآن» گله‌مند هستند ترجمه قرآن خواندنی ملکی را تجربه‌ای بسیار لذت‌بخش در خواندن قرآن می‌دانند که می‌تواند «روح را به پرواز درآورد، فهم معارف قرآنی را به تجربه‌ای لذت‌بخش بدل سازد و ارتباط مخاطبان با این کلام آسمانی را هر چه بیشتر تعمیق بخشد.» (پایگاه اینترنتی ترجمه خواندنی قرآن کریم، ۱۳۹۹).

در همین راستا، پژوهش حاضر گویای آن است که اهمیت مخاطب و نیازهای وی در اکثر تحقیقات حوزه ترجمه قرآن مورد غفلت قرار گرفته است. این تحقیقات، چنانچه در قسمت پیشینه پژوهش بدان‌ها اشاره شد، تحقیقاتی غالباً مقابله‌ای‌اند که هدف از آن‌ها بررسی کیفیت و میزان دقت متن ترجمه‌شده است و پرداختن به



خوانندگان فارسی‌زبان و نیازهای آنان را اولویتی درجه دوم به شمار می‌آوردند. آنچه در این تحقیقات حائز اهمیت است بررسی انتقال بی‌کم‌وکاست و کاست معنای متن اصلی با همه جوانب معنایی آن به زبان فارسی است و کمتر سخنی از خوانندگان ایرانی و درک آنها از محصول نهایی ترجمه به میان می‌آید. این نکته می‌تواند یکی از دلایلی باشد که ارتباط خوانندگان امروزی ایرانی و به‌ویژه نسل جوان با ترجمه‌های موجود قرآن ارتباطی ممتاز و درخور توجه نیست. تحقیق حاضر با تأکید بر این نکته که هدف از ترجمه قرآن در نهایت ارتباط مؤثر خوانندگان با این کلام آسمانی است بر اهمیت ترجمه‌ای روان و مخاطب‌محور از قرآن تأکید دارد و همین نکته فصل تمایز پژوهش حاضر با سایر تحقیقات مقابله‌ای در این حیطه است. محققان پژوهش حاضر امیدوارند این تحقیق سرآغاز مطالعات جامعه‌شناختی باشد که ضمن پرداختن به دلایل مختلف عدم ارتباط مؤثر مخاطبان فارسی‌زبان و به‌ویژه نسل جوان با ترجمه‌های موجود قرآن به ارائه راهکارهایی در راستای تسهیل ارتباط جامعه امروزی ایران با ترجمه‌های قرآن بپردازند و از ترجمه‌های مخاطب‌محوری که سعی در ایجاد این ارتباط دارند دفاع نظری کنند.

شایان یادآوری است که پژوهش حاضر، به بررسی مقابله‌ای ترجمه قرآن خواندنی‌ملکی با ترجمه فولادوند پرداخته است و نتایج پژوهش تنها در ارتباط با این دو ترجمه معتبر است. مقابله ترجمه خواندنی با سایر ترجمه‌های موجود قرآن جهت بسط دادن نتایج این تحقیق به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود.

#### کتاب‌نامه

افتاده، ص.، و همای، ع. (۱۳۹۸). معناشناسی توصیفی تکامد اسمی منهاج و آسیب‌شناسی سه ترجمه آن (مبیدی، مکارم شیرازی و انصاریان). پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱(۲۴)، ۷-۲۷.

امرای، م. ح.، و معروف، ی. (۱۳۹۴). نقدی بر ترجمه قرآن کریم حداد عادل از منظر ترجمه مفهومی. مطالعه ترجمه قرآن و حدیث، ۲(۴)، ۱-۳۲.

امین فرد، م. (۱۳۸۶، ۶ اسفند). مخاطب‌فهمی ویژگی مهم ترجمه قرآن فولادوند. خبرگزاری بین‌المللی

قرآن. برگرفته از <https://iqna.ir/fa/news/1632264/>

- انصاریان، ح. (۱۳۸۳). قرآن مجید. قم، تهران: چاپخانه بزرگ قرآن.
- آذرشب، م. ع.، ملکی، م.، و اسداله‌ئی، ل. (۱۳۹۸). تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر). *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۲)، ۲۲۵-۲۶۰.
- آیتی، ع. (۱۳۸۲). قرآن مجید. تهران، ایران: سروش.
- باقری، ز.، معروف، ی.، امیری، ج.، و زینی‌وند، ت. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی ترجمه فارسی محمد یزدی از قرآن کریم. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۴(۸)، ۱-۳۳.
- پایگاه اینترنتی ترجمه خواندنی قرآن کریم. (۱۳۹۹). آنچه شما نوشته‌اید. برگرفته از <http://qurantr.com>
- تقیه، م. ح. (۱۳۹۶). نقش ساختارهای بلاغی در ترجمه. *زیبایی‌شناسی ادبی*، ۱(۳۳)، ۶۵-۷۹.
- جواهری، م. ح. (۱۳۸۴). پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۱(۴۲-۴۳)، ۱۳۶-۱۵۹.
- حری، ا. (۱۳۹۸). سخت ترجمه‌پذیری اسماء‌الحسنی با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی اسامی خاص. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۱)، ۳۷-۶۸.
- حسینی علایی، ف.، و فتحی اکبرآبادی، ج. (۱۳۹۸). واکاوی معنای واژه فوت و تفاوت در قرآن کریم و برگردان‌های فارسی آن. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۲)، ۳۳-۶۰.
- حسینی علایی، ف.، و فتحی اکبرآبادی، ج. (۱۳۹۸). واکاوی معنای واژه فوت و تفاوت در قرآن کریم و برگردان‌های فارسی آن. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۲)، ۳۳-۶۰.
- حیدری، ز.، قائمی، م.، و زودرنج، ص. (۱۳۹۷). برابر نهادی عنصر فرهنگی پوشاک در قرآن کریم طبق نظریه نیومارک (مطالعه موردی پنج ترجمه فارسی قرآن کریم: آیتی، بهرام‌پور، فولادوند، مجتوبی و مکارم شیرازی). *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۵(۹)، ۷۹-۱۰۶.
- خزاعی فرید، ع.، و قاضی زاده، خ. (۲۰۱۶). تأثیر هنجارها بر روند ترجمه (موردپژوهی: ترجمه‌های معاصر قرآن مجید). *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۱(۳)، ۸۳-۱۰۱.
- رشید رضا، م. (۱۹۷۶). *تفسیر المنار*. قاهره، مصر: دارالمنار.
- صفوی، م. ر. (۱۳۹۸، ۱۴ مهر). درخشش نثر امروز در ترجمه‌های قرآن/ نباید روند ترجمه را متوقف کرد. خبرگزاری بین‌المللی قرآن. برگرفته از <https://iqna.ir/fa/news/3847456>
- طیب، س. ع. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران، ایران: انتشارات اسلام.

- عبدی، م. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی ترجمه فولادوند با تکیه بر کارکردهای صرفی، نحوی، واژگانی و بالغی دانش معناشناسی. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۲(۳)، ۱۲۷-۱۴۹.
- فولادوند، م. م. (۱۳۷۸). *ترجمه قرآن کریم*. قم، ایران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قرائتی، م. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران، ایران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قزلی، ه.، معصومی، م. ح.، و جنتی‌فر، م. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی ترجمه ده جزء آخر قرآن از معزی و پاینده بر اساس اصل تقابل معنایی. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۱)، ۱۳۷-۱۶۵.
- کشاوری، و.، و قاسمی، م. ن. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی ترجمه سوره سجده در ترجمه مکارم، فولادوند و خرم‌دل با نگاه به مسائل زبانی مبدأ و مقصد. *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*، ۲(۲)، ۶۵-۹۲.
- گرجامی، ج.، آزاددل، ع.، و محمدی، س. (۱۳۹۶). بررسی هم‌پایگی انسجام دستوری غیرساختاری در خطبه اول نهج‌البلاغه و ترجمه‌های آن. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۴(۷)، ۱۲۵-۱۵۲.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۶). *القرآن الکریم*. قم، ایران: دارالقرآن الکریم.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۶). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران، ایران: دارالکتب اسلامی.
- ملکی، ع. (۱۳۹۶). *قرآن کریم: ترجمه خواندنی قرآن*، به روش تفسیری و پیام‌رسان برای نوجوانان و جوانان. تهران، ایران: ویراستاران.
- ملکی، ع. (۱۳۹۷، ۱۱ شهریور). *فهم مخاطب؛ مسئله فرعی مترجمان قرآن/ ناقد باید مترجم باشد*. برگرفته از <https://iqna.ir/fa/news/3743311>
- نیازی، ش.، و هاشمی، ا. س. (۱۳۹۸). بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۲(۴)، ۱۹۳-۱۶۱.
- الهی قمشاهی، م. (۱۳۸۰). *القرآن المجید*. قم، ایران: فاطمه الزهراء.

- Al-Maraghi, M. M. (1936). *Bahth fi- tarjamat al-Qur'an al-karim ova-'ahkamuha* [The translation and rules of the Quran]. Egypt, Cairo: Matba'at al-Ragha'ib.
- Catford, J. C. (1965/2000). *A linguistic theory of translation*. London, England: Oxford University Press.
- Dryden, J. (1680/1992). Metaphrase, paraphrase and imitation. In R. Schulte & J. Biguenet (Eds.), *Theories of translation* (pp. 17-31). London, England: University of Chicago Press.
- Gut, E. A. (1992). *Relevance theory: A guide to successful communication in translation*. Dallas, TX: Summer institute of linguistics.

- Koller, W. (1979). Equivalence in translation theory. In A. Chesterman (Ed.), *Readings in translation theory* (pp. 99–104). Helsinki, Finland: Finn Lectura.
- Newmark, P. (1981). *Approaches to translation*. New York, NY: Pergamon.
- Nida, E. A. (1964). *Towards a science of translating*. Leiden, the Netherlands: Brill.
- Pickthall, M. (1931). Arabs and non-Arabs and the question of translating the Quran. *Islamic Culture*, 5, 422-433.
- Schleiermacher, F. (1813/2012). On the different methods of translating. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 43- 63). New York, NY: Routledge.
- Al-Awwali, A. (1996). The role of the translator in the Quranic translation process. *The Muslim World*, 52, 17-28.

#### درباره نویسندگان

رضایل شرزه استادیار مطالعات ترجمه دانشگاه شهید مدنی آذربایجان است. حوزه تخصصی پژوهشی وی تحلیل انتقادی گفتمان، نظریه روایت و مباحث جامعه‌شناختی در ترجمه می باشد. همچنین، پژوهش پیرامون جایگاه مترجم در حوزه ترجمه رسمی و نقش حائز اهمیت و تصمیم‌گیر مترجم در فرایند ترجمه رسمی از موضوعات مورد علاقه وی است.

رویا منصفی استادیار مطالعات ترجمه گروه زبان انگلیسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان است. از علایق تحقیقاتی وی می‌توان به منظورشناسی بین‌زبانی، ترجمه و رسانه و ترجمه ادبی اشاره کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی